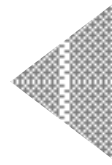


نقش سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی؛ مروری بر مطالعات انجام شده



محمد سلیمانی^۱

(تاریخ دریافت ۸۷/۶/۱۵ - تاریخ تصویب ۸۷/۸/۱۲)

چکیده

پس از گذر از نگرش‌های مکانیکی و سرمایه‌محور در اقتصاد توسعه، مفاهیم جدیدی در کنار سرمایه، منابع طبیعی و نیروی انسانی، ظاهر شد که به نقش عوامل انسانی و اجتماعی در توسعه و حتی رشد اقتصادی اشاره داشت. در دهه ۹۰ میلادی توجه اقتصاددانان به مفهوم سرمایه اجتماعی، بیش از پیش جلب شد و مطالعات و پیمایش‌های متعددی در این زمینه انجام گرفت که این مطالعات جنبه‌های جدیدی از رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی را مشخص نمود. در این مقاله به بررسی این مطالعات می‌پردازیم. این مطالعات را می‌توان از نظر توجه به اثرات سرمایه اجتماعی، حداقل در ۶ دسته خلاصه کرد که در هر کدام اثری از آثار سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. این ۶ دسته شامل مطالعاتی است که تأثیر سرمایه اجتماعی را بر رشد اقتصادی، اقتصاد سیاسی و عملکرد دولت، توسعه روستایی، سرمایه انسانی و فکری، عملکرد بنگاه‌ها و ساختارهای سازمانی و نهایتاً بر بهداشت و سلامت می‌سنجند.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، رشد اقتصادی، توسعه اقتصادی، سرمایه انسانی.

۱- مقدمه

در حال حاضر اصطلاح سرمایه اجتماعی به یکی از مهمترین، عمومی‌ترین و پر کاربردترین مفاهیم در حوزه مطالعات اجتماعی مبدل شده است (هلپم، ۲۰۰۵: ۸۷). تحقیقات اقتصادی و

۱- دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس، soleimani@modares.ac.ir

جامعه‌شناسی اخیر نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی بر روی عملکرد متغیرهای اساسی اقتصاد، تأثیر گذار است. سرمایه اجتماعی در کنار سایر مؤلفه‌های اساسی تولید قرار گرفته و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد. از سوی دیگر این مفهوم در سایر مؤلفه‌های توسعه‌یافتگی مثل بهداشت، آموزش و کیفیت زندگی و ... نیز مؤثر است. به طور کلی حوزه نفوذ این مفهوم به عنوان یک پدیده چند وجهی به اقتصاد، سیاست و مطالعات مربوط به توسعه، گسترش یافته و زوایای نوینی را برای حل و ریشه‌یابی مسائل اجتماعی و اقتصادی گشوده است (فاین^۱، ۲۰۰۲).

برای آغاز بحث مناسب است که به متعارف‌ترین تعاریف موجود از سرمایه اجتماعی، اشاره‌ای داشته باشیم:

۲- تعاریف

در نگاه کلمن، سرمایه اجتماعی جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی است که به تحقق اهداف (فردی و جمعی) کمک کرده و نیز تسهیل‌کننده فعالیت‌های تولیدی است.

از نظر پاتنام^۲ سرمایه اجتماعی عبارت است از «ویژگی‌های حیات اجتماعی - شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد - که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا با یکدیگر عمل نمایند و به صورت مؤثرتر و کاراتر اهداف مشترکشان را محقق سازند. در نتیجه سرمایه اجتماعی به پیوندهای اجتماعی و هنجارها و اعتماد ملازم با آن اشاره دارد» (پاتنام، ۱۹۹۵: ۱۲).

در نگاه بانک جهانی، سرمایه اجتماعی به نهادها، روابط و هنجارهایی اشاره دارد که کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی یک جامعه را شکل می‌دهند. سرمایه اجتماعی صرفاً جمع ساده نهادهایی نیست که جامعه را در برمی‌گیرند؛ بلکه چسبی است که این نهادها را به یکدیگر پیوند می‌دهد. سرمایه اجتماعی برخلاف سایر سرمایه‌ها، به صورت فیزیکی وجود ندارد، بلکه حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی بوده و از طرف دیگر افزایش آن می‌تواند موجب پایین آمدن سطح هزینه‌های اداره جامعه و نیز هزینه‌های عملیاتی سازمان‌ها گردد (بانک جهانی^۳،

۱ - Fine

۲ - Putnam

۳ - World Bank

(۱۹۹۹).

به صورت خلاصه در تعریف سرمایه اجتماعی می‌توان عنوان نمود: «سرمایه اجتماعی، مجموعه‌ای از روابط، تعاملات و شبکه‌های اجتماعی است که در میان افراد و گروه‌های اجتماعی وجود دارد و موجب گرمی روابط اجتماعی و تسهیل کنش اجتماعی آنها می‌گردد» (غفاری، ۱۳۸۴: ۲۴).

۳- مطالعات انجام شده در مورد رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی

اخیراً اقتصاددانان توجه متریادی به نقش سرمایه اجتماعی در رابطه با توسعه اقتصادی نشان داده‌اند. به عنوان پیشگامان کار در زمینه نقش سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی، می‌توان به کرمندی و مگویر^۱ (۱۹۸۵)، بومل^۲ (۱۹۸۶)، گریب و تولاک^۳ (۱۹۸۹)، بارو^۴ (۱۹۹۱)، منکیو، رومر و ویل^۵ اشاره کرد. تمپل و جانسون^۶ (۱۹۹۸)، هم در مورد توانایی سرمایه اجتماعی و تأثیرات آن بر اقتصاد جوامع، مطالعاتی انجام دادند که نقش ارزنده‌ای در تحقیقات آینده داشت. موج مطالعات سرمایه اجتماعی توسط اقتصاددانان و اندیشمندان عرصه توسعه از ابعاد جدیدی از این مفهوم پرده برداشت (بوگلسک و فون اسپیک^۷، ۲۰۰۳).
مطالعات انجام شده را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

۳-۱- اثر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی و تولید

مطالعات تجربی زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی اثر مثبتی روی رشد اقتصادی دارد. بارو^۸ (۱۹۹۹) بیان می‌کند که ابعاد سرمایه اجتماعی به نرخ رشد سرمایه‌گذاری

۱ - Kormendi & Meguire

۲ - Baumol

۳ - Grier & Tullock

۴ - Barro

۵ - Mankiw, Romer & Weil

۶ - Temple & Johnson

۷ - Beugelsdijk & van Schaik

۸ - Barro

خصوصی و سهم آن در تولید ناخالص داخلی، کمک می‌کند. وی در سال ۲۰۰۱ نشان داد که قانون و دستورالعمل‌های بهتر اثر مثبتی روی رشد اقتصادی داشته است (به نقل از دین، ۲۰۰۳). زک و ناگ^۲ (۲۰۰۱) با مطالعه روی ۴۱ کشور نشان دادند که اعتماد بالا روی رشد اثر می‌گذارد زیرا کارایی اقتصادی را با کاهش هزینه‌های حمل و نقل، کاهش هزینه‌ها در هنگام بستن قراردادها و کاهش هزینه‌ها در اجرای قراردادها افزایش می‌دهد (دین، ۲۰۰۳).

ناگ و کیفر^۳ به ارزیابی اثر اعتماد و هنجارهای اجتماعی بر روی رشد و نرخ سرمایه‌گذاری پرداخته‌اند (ناگ و کیفر، ۱۹۹۷). آنها برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی از دو شاخص اعتماد به بیگانگان و مدنیت اجتماعی استفاده کردند. مدنیت اجتماعی با استفاده از سنج‌های زیر سنجیده شد: مطالعه روزنامه، تعداد گروه‌های فرهنگی و ورزشی، میزان رأی در انتخابات.

ناگ و کیفر یکی از دلایل عقب‌ماندگی اقتصادی در بعضی از کشورها را ناشی از عدم اطمینان در آن کشور می‌دانند و به اعتقاد آنها در جوامعی که میزان اعتماد بالا است، سوء استفاده از حقوق دیگران کمتر است و در نتیجه افراد هزینه کمتری برای حفظ حقوق خود در مقابله با سوء استفاده‌های احتمالی دیگران، می‌پردازند. در این جوامع نیاز کمتری به پرداخت رشوه برای انجام امور وجود دارد. در حالیکه در جوامعی که سطح اعتماد پایین است، کارآفرین‌ها باید هزینه‌های بالایی را صرف کنترل و نظارت بر فعالیت‌های خود کنند و به همین دلیل فرصت اندکی برای نوآوری در محصولات و فرآیندهای تولیدی دارند. علاوه بر این، هر جا که سرمایه اجتماعی بالا باشد؛ بازارهای رسمی اعتبار که متکی بر روابط شخصی است، می‌تواند سرمایه‌گذاری را تسهیل کند.

مطالعه‌ای در مورد نقش سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی توسط بوگلسک و فون اسپچیک در ۵۴ منطقه اروپا در دوره زمانی ۱۹۵۰-۱۹۹۸ میلادی انجام گرفته است. هدف از این پژوهش بررسی این پرسش بود که آیا سرمایه اجتماعی (فعالیت‌های مشارکتی و اعتماد تعمیم یافته) در رشد اقتصادی متفاوت مناطق، اثر دارد؟ نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی به عنوان فعالیت مشارکتی ارتباط مثبتی با تفاوت‌های رشد اقتصادی در مناطق اروپایی داشته است.

۱ - Din

۲ - Zak & Knack

۳ - Knack & Keefer

همچنین نتایج نشان داده است که فقط وجود روابط شبکه‌ای رشد اقتصاد منطقه‌ای را تحریک نمی‌کند، بلکه سطح فعالیت واقعی شبکه‌ها نیز در این روابط مؤثر است (بوگلسک و فون اسپیک، ۲۰۰۳: ۵۱).

کیل‌کنی و دیگران^۱ روابط بین حمایت اجتماعی و توسعه شهرهای کوچک و اشتغالزایی را مطالعه کردند و نتیجه گرفته‌اند که روابط اجتماعی تأثیر مثبتی در اشتغالزایی داشته است (کیل‌کنی و دیگران، ۱۹۹۹: ۲۱).

۲-۳- اثرات سرمایه اجتماعی بر دولت (اقتصاد سیاسی)

با توجه به نقش دولت‌ها در حیات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ملت‌ها، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، و حضور غالب و مسلط دولت‌ها به دلیل وجود نظام متمرکز در این کشورها، سرمایه اجتماعی می‌تواند در فرایند توسعه این کشورها نقش اساسی داشته باشد. ایده افزایش مشارکت مردمی که به نوعی پاسخی به شکست برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های اقتصاد توسعه قدیم بود؛ بخش جدایی‌ناپذیر سیاست‌های توسعه‌ای جدید شده است، به طوریکه هم‌اکنون مباحث توسعه انسانی و اجتماعی علاوه بر متون درسی در کتاب‌ها و گزارش‌های سازمان‌های جهانی نیز وارد شده است.^۲ همچنین تعامل و چگونگی پیوند سرمایه اجتماعی و دولت در فرآیند توسعه نیز مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این، همکاری‌های میان‌گروهی و مشارکت اجتماعی نیز از شاخص‌های سرمایه اجتماعی است که بر روان‌سازی فرآیندها و کارایی دولت، اثر مثبت دارد. به صورت خلاصه می‌توان آثار زیر را از نتایج افزایش سرمایه اجتماعی بر دولت دانست:

- افزایش کارآمدی
- کاهش تصدی‌گری
- تمرکززدایی
- کاهش فساد

۱ - Kilkenny, et al

۲- به عنوان مثال می‌توان به (بانک جهانی، ۱۹۹۹) و (سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، ۲۰۰۱) مراجعه کرد.

- رفع تعارضات ساختاری
- افزایش پاسخگویی
- ایجاد فرهنگ قدردانی متقابل دولت و سایر بخش‌ها.

سرمایه اجتماعی بر عملکرد دولت و نیز بر اثرگذاری سیاست‌ها و تصمیمات کلان اجرایی، اثرات بسزایی دارد. اعتماد مردم به دولت موجب می‌شود مردم سیاست‌های دولتی را تایید کنند و برای به ثمر رسیدن هر چه بهتر آن‌ها دولت را یاری دهند. (ایمانی، ۱۳۸۰: ۸۳؛ به نقل از پوسنر و بویکس، ۱۹۹۸) به بیان دیگر سرمایه اجتماعی موجب بالا رفتن هماهنگی دولت- شهروندان می‌شود.

نورث^۱ (۱۹۹۰) نقش نهادهای رسمی و غیررسمی را در تبیین و فهم عملکرد اقتصادی بسیار مهم می‌داند، یکی از مفاهیم مهم در این زمینه، سرمایه اجتماعی است که نقش آن در عملکرد اقتصادی یک کشور، یک منطقه و یک گروه به ویژه از طریق اثر بر نهادها، بسیار مهم است. انتشار کتاب «فعال کردن دموکراسی»^۲ توسط پاتنام، لئوناردی و ناننتی^۳ در سال ۱۹۹۳ کمک مؤثری در مورد تبیین روابط بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی از نظر اقتصاد سیاسی داشت. این حوزه از سرمایه اجتماعی با نام رابرت پاتنام و مطالعه مشهور او در باره علل کارآمدی نهادهای دموکراتیک در شمال ایتالیا نسبت به جنوب آن کشور، پیوند خورده است. پاتنام در مطالعه حکومت‌های منطقه‌ای تازه تأسیس ایتالیا در دهه ۱۹۷۰ میلادی به این نتیجه می‌رسد که تفاوت‌های بسیاری از نظر کارآمدی اداری و پاسخگویی آن‌ها به نیازهای شهروندان میان دو بخش شمال و جنوب ایتالیا وجود دارد. پرسش اساسی پاتنام علل این تفاوتها با وجود مشابهت‌های بسیار از نظر ساختار اداری و بودجه حکومت‌های منطقه‌ای این دو بخش است. بررسی‌های پاتنام او را به این نتیجه می‌رساند که شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی متفاوت این دو بخش بویژه به لحاظ وجود سنت‌های مدنی پایدار و همه گیر در شمال ایتالیا که افراد را در شبکه‌های روابط اجتماعی افقی مانند انجمن‌های داوطلبانه، باشگاه‌ها و احزاب قرار

۱. North

۲. Making democracy work

۳. Putnam, Leonardi and Nanetti

می‌دهد، علت اصلی این تفاوت‌ها است. این شبکه‌ها همکاری میان آن‌ها را تشویق و آسان می‌کنند. به نظر پاتنام با توجه به این یافته‌ها عملکرد خوب نهادهای دموکراتیک در شمال ایتالیا که مدنی‌تر است چندان جای تعجب ندارد و خود عامل اصلی و مهم سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی بیشتر شمال ایتالیا سبب شده تا نهادهای دموکراتیک این منطقه کارآمدتر و پاسخگوتر باشند. او حتی سرمایه اجتماعی را برای ثبات سیاسی، کارآمدی حکومت و پیشرفت اقتصادی مهم‌تر از سرمایه مادی و انسانی می‌داند (پاتنام، ۱۹۹۵: ۱۹).

در مطالعه دیگری گریر و تولاک^۱ به این نتیجه رسیدند که سرکوبی سیاسی باعث کاهش قابل توجهی در نرخ رشد سالیانه در آمریکای لاتین و آفریقا شده است (گریر و تولاک، ۱۹۸۹: ۱۹۵). کرمندی و مگویر^۲ روابط بین سرمایه اجتماعی دولتی و رشد اقتصادی را بررسی کردند و نتیجه گرفتند که کشورهایی با اختیارات شهری بالاتر تمایل دارند تا بیشتر سرمایه‌گذاری کنند و از این رو به رشد اقتصادی کمک می‌کنند (کرمندی و مگویر، ۱۹۸۵: ۹۷).

در پایان این بخش ذکر این نکته ضروری است که افزایش سرمایه اجتماعی بر عملکرد بخش خصوصی و حوزه بنگاه‌داری نیز اثر دارد. در واقع این اثر در وراثی اثر سرمایه اجتماعی بر دولت قرار دارد و زمانی که منافع سرمایه اجتماعی بر دولت آشکار شود، در همان زمان آثار سرمایه اجتماعی بر بخش خصوصی نیز آشکار می‌شود. این آثار را می‌توان در قالب‌های زیر احصا کرد:

- افزایش تعلق بخش خصوصی به جامعه و تقویت حاکمیت
- همسو شدن منافع بنگاه با منافع ملی
- مشارکت بخش خصوصی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های ملی
- هم‌افزایی بین بخش خصوصی و دو عنصر دیگر حکمرانی شایسته

۳-۳- اثرات سازمانی و بنگاهی

بسیاری از نظریه‌پردازان مزایای متعددی را برای وجود سرمایه اجتماعی در سازمان‌ها

۱ - Grier & Tullock

۲ - Kormendi & Meguire

برشمرده‌اند. کوهن و پروساک^۱ (۲۰۰۱) در مقاله خود منافع فراوانی را برای سرمایه اجتماعی برشمرده‌اند. در زیر به خلاصه‌ای از منافع ذکر شده توسط ایشان اشاره می‌کنیم:

- مشارکت بهتر در دانش: سرمایه اجتماعی به علت ایجاد روابط و اعتماد متقابل، چارچوب‌های مرجع مشترک و اهداف مشترک بین اعضای سازمان و همکاری محققین به ویژه در واحدهای R&D را تسهیل می‌کند.
 - هزینه‌های اجرایی کمتر: سرمایه اجتماعی در قالب سطح بالای اعتماد و وجود روح همکاری، موجب کاهش هزینه‌های اجرایی می‌شود که این امر، یکی از اساسی‌ترین کارکردهای سرمایه اجتماعی است.
 - کاهش میزان ترک خدمت کارکنان و در نتیجه حفظ دانش سازمانی، کاهش هزینه‌های جدایی و هزینه‌های به کارگیری و آموزش
 - انسجام عملی بیشتر: سرمایه اجتماعی به علت ثبات سازمانی و ایجاد زمینه برای شناخت افراد، هماهنگی افراد را افزایش می‌دهد.
- کوهن و پروساک اعتقاد دارند که افزون بر آثار مثبت یاد شده، تعهد، همکاری، وفاداری و حتی ایثار از مزایای مهم سرمایه اجتماعی است. آنان معتقدند، سرمایه‌گذاری برنامه‌ریزی شده در سرمایه اجتماعی می‌تواند به سازمان‌ها کمک کند تا بتوانند با چالش‌های بزرگ مواجه شوند و حتی آن‌ها را به مزیت تبدیل کنند.
- تیمبرلیک نیز مزایایی که توسعه ثروت‌های نامرئی از جمله سرمایه اجتماعی برای سازمان به همراه دارد را چنین بیان می‌کند:
- تسهیل و در اختیار گذاشتن اطلاعات زیاد با هزینه کم
 - کسب مهارت‌ها و دانش جدید از سوی اعضای شبکه
 - کسب نفوذ و قدرت و افزایش امکان اعمال نفوذ در سازمان

- ایجاد یکپارچگی و انسجام سازمانی، بهبود عملکرد گروهی، تشکیل تیم‌های کاری منعطف

- افزایش تعهد

- کاهش هزینه مربوط به تعاملات به دلیل سطوح بالای اعتماد در روابط

- کاهش میزان ترک شغل و هزینه‌های استخدام و آموزش (تیمبرلیک^۱، ۲۰۰۵: ۳۵)

علاوه بر این می‌توان در زمینه تأثیرات وجود سرمایه اجتماعی در توسعه سازمان، موارد زیر را اضافه کرد:

- ۱- تسهیل تأمین مالی پروژه‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و عقد قراردادهای و در نتیجه امکان حمایت از خلاقیت‌ها و رشد نوآوری و فناوری؛
- ۲- کاهش آسیب‌های مالی و اجتماعی در دوران رکود برای بنگاه‌ها و افراد آسیب‌پذیر و اهتمام به تعاون عمومی و توازن اجتماعی؛
- ۳- کاهش فساد مالی و اقتصادی از طریق بخش خصوصی رقابتی و نظارت بر حوزه عمومی؛
- ۴- افزایش رقابت اقتصادی از طریق فرهنگ و انگیزه شکل‌گیری گروه‌ها و شرکت‌های اقتصادی و زمینه انتقال تجارب؛
- ۵- افزایش بهره‌وری نیروی کار از طریق آرامش حاصله و انگیزش مناسب در خانواده و گروه‌های کاری و اتحادیه‌ها؛
- ۶- بالا رفتن هماهنگی دولت- شهروندان و دولت-بنگاه و در نتیجه فراهم شدن زمینه برای تولید.

۴-۳- اثر سرمایه اجتماعی بر توسعه روستایی

کپ^۲ توسعه روستایی را به عنوان فرآیند تلاش جمعی برای بهبود بهزیستی و خودیابی مردمی که در روستا زندگی می‌کنند، تعریف کرده است. به نظر او هدف توسعه روستایی باید بسط و

۱ - Timberlake

۲ . Copp

گسترش دامنه فرصت‌ها برای مردم روستایی باشد. در بیان فضای مفهومی توسعه روستایی، باید به این نکته اشاره شود که توسعه روستایی عمدتاً در دوره اخیر در قالب توسعه مشارکتی مطرح شده که در بردارنده ابعاد توسعه روستایی یکپارچه و مشارکت مردم است. توسعه روستایی فرایندی چند بعدی است که موضوع آن بهبود و ارتقای کیفیت زندگی اقشار فقیر و آسیب پذیر اجتماعات روستایی است. فرآیندی که با بهره‌گیری از ساز و کارهایی چون برنامه‌ریزی، سازماندهی، تقویت خود اتکایی فردی و جمعی و ایجاد دگرگونی مناسب در ساختارهای ذهنی و اجتماعی روستائیان به دنبال تقویت قدرت بهره‌گیری از قابلیت‌ها و منابع در اختیارشان است. تحقق چنین توسعه‌ای نیازمند دگرگونی در ساختارهای نهادی، فنی، شخصیتی و ارزشی است که منجر به تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی روستائیان می‌شود (ازکیا، ۱۳۸۳: ۲۱).

طبق نظر کمیسیون اروپایی^۱ و بانک سرمایه‌گذاری اروپا^۲، گسترش سرمایه اجتماعی در قالب فرهنگ شغلی و هنجارهای رفتاری اهمیت ویژه‌ای برای توسعه روستایی و منطقه‌ای دارد (بوگلسک و فون اسپیک، ۲۰۰۳: ۵۷).

کالویس و انگن^۳ (۲۰۰۴) مطرح می‌کنند که سرمایه اجتماعی از اهمیت قابل توجهی در مطالعات توسعه برخوردار است و تأثیر مناسبی روی منابع توسعه دارد، این اثر شامل مناطق روستایی در کشورهای توسعه یافته نیز می‌شود.

در این مطالعات درباره تأکید نقش سرمایه اجتماعی در فرآیند توسعه اقتصادی، این مسئله مطرح است که هنجارهای تعاونی، اعتماد میان فردی و ارتباطات اجتماعی، کیفیت تعاملات اجتماعی در یک جامعه را بهبود می‌بخشد، و در نتیجه به بازدهی بیشتر و کاهش هزینه‌های معاملات کمک می‌کند.

پانتوچا^۴ در سال ۲۰۰۰ میلادی آثار تلاش‌ها برای ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی در مناطق معدن زغال سنگ هندوستان را بررسی کرده و نتایج بدست آمده اثرات مثبت سرمایه اجتماعی

۱. European Committee

۲. European Investment Bank (EIB)

۳ - Callois & Angeon

۴ - Pantoja

را در این مناطق نشان می‌دهد (پانتوجا، ۲۰۰۰). همچنین اُبرین^۱ (۲۰۰۰) تأثیر توسعه سرمایه اجتماعی در مناطق روستایی روسیه را در زمینه اقتصاد بازار بررسی می‌کند، نتایج بدست آمده حاکی از اثرات مثبت سرمایه اجتماعی در توسعه جوامع روستایی روسیه است. همچنین مطالعات سبلز و دیگران^۲ (۲۰۰۱) اهمیت سرمایه اجتماعی را برای شبکه‌های غیردولتی و گروه‌هایی که روی حفظ منابع طبیعی روستایی در استرالیا تمرکز داشتند را نشان داد (وستلند و دیگران^۳، ۲۰۰۲).

انجمن‌ها و شبکه‌های محلی، اثرات مثبتی روی توسعه محلی و آسایش خانوارها دارند. برای مثال مطالعه‌ای که روی ۷۵۰ خانوار از ۴۵ روستا در تانزانیا انجام شد، نشان داد که سرمایه اجتماعی کمک قابل توجهی به رفاه و آسایش خانوارها کرده است. با استفاده از تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیری، این مطالعه ثابت کرده است که تا موقعی که سرمایه اجتماعی عامل کنترل اندازه خانوارها، تحصیل مردان و زنان، دارایی خانوارها و دسترسی به بازار و بخش بوم‌شناسی کشاورزی باشد، سرمایه اجتماعی در سطح روستاها یک عامل کلیدی برای آسایش خانوارها خواهد بود (نریان و پریچت^۴، ۱۹۹۷).

گروتائرت^۵ نیز در مطالعه‌ای از انجمن‌های محلی در اندونزی، ارتباط مثبت و بالایی بین سرمایه اجتماعی و آسایش خانوارها نشان داد. خانوارهایی که سرمایه اجتماعی بالاتر داشتند، دارای مصارف بیشتر، دارایی‌های بیشتر، دسترسی بهتر به اعتبارات و... بودند. گروتائرت در این مطالعه به این نتیجه رسید که سرمایه اجتماعی موجب کاهش احتمال فقیر شدن بوده و همچنین احتمال بازگشت (بازده) سرمایه‌گذاری خانوار را نسبت به دیگر بخش‌های جمعیت افزایش می‌دهد (گروتائرت، ۱۹۹۹).

۱ - O'Brien

۲ - Sobels et al

۳ - Westlund et al

۴ - Narayan & Pritchett

۵ - Grootaert

۵-۳- اثر سرمایه اجتماعی بر سرمایه انسانی

مطالعاتی که اخیراً در مورد ارتباط سرمایه اجتماعی با توسعه انسانی انجام گرفته، نشان‌دهنده ارتباط بسیار قوی بین سرمایه اجتماعی با توسعه انسانی است. این ارتباط به مراتب از ارتباط سرمایه اجتماعی با رشد اقتصادی قوی‌تر است. نشان داده شده است که سرمایه اجتماعی به شکل عضویت در گروه، نسبت به هنجارهای مدنی و اعتماد اجتماعی، تأثیر قوی‌تری با سطوح توسعه انسانی دارد.

کلمن^۱ که پژوهش‌های سنجش آثار سرمایه اجتماعی بر سرمایه انسانی با کارهای او آغاز شده، بیان می‌کند که سرمایه اجتماعی منبعی برای خانواده است که موجب می‌شود خانواده‌ها روی جوانان و کودکان سرمایه‌گذاری کنند. کلمن شواهدی ارائه می‌کند که بر مبنای آن پایین بودن سرمایه اجتماعی در خانواده منجر به افت تحصیلی نوجوانان می‌شود. او همچنین نشان داد که سرمایه اجتماعی در بیرون از خانواده نیز در ادامه تحصیل و کاهش ترک تحصیل بچه‌ها اثر دارد (کلمن، ۱۹۸۸). او همچنین نشان داد که مشارکت خانواده در انجمن اولیا و مربیان، علاوه بر افزایش نرخ ادامه تحصیل، کیفیت آموزش را افزایش می‌دهد.

کریستوفور^۲ (۲۰۰۶)، ارتباط سرمایه اجتماعی (شاخص‌های هنجارهای مدنی، شبکه‌های اعتماد و عضویت در گروه) را با رشد اقتصادی و توسعه انسانی، در ۳۲ کشور اروپا (بیشتر کشورهای عضو اتحادیه اروپا و تعدادی غیرعضو) بین سال‌های ۱۹۶۰ الی ۲۰۰۳ میلادی سنجید. او در یکی از مراحل کار خود، متغیرهای مؤثر بر توسعه همانند: رفاه عمومی، محرومیت اجتماعی، نوع حکومت، عملکرد بازار را کنترل کرد و سپس ارتباط سرمایه اجتماعی با شاخص توسعه انسانی را سنجید. در این پژوهش همبستگی بالای HDI با سرمایه اجتماعی بدست آمد. نتایجی که بدست آمد نشان می‌دهد که دو متغیر اعتماد اجتماعی ($r^2=0/59$) و عضویت در گروه ($r^2=0/68$) با توسعه انسانی همبستگی بالا و مثبتی دارند و متغیر هنجارهای مدنی ($r^2=0/11$) همبستگی ضعیفی با توسعه انسانی دارد. سرمایه اجتماعی بر تولید سرمایه فکری نیز اثر دارد. نهایت و گاشل^۳ (۱۹۹۸) مدلی را معرفی می‌کنند که اثر مثبت و سازنده سرمایه اجتماعی بر سرمایه فکری

۱ - colman

۲ - Christoforou

۳ - Nahapiet & Ghoshal

را نشان می‌دهد.

نکته مهمی که در این قسمت باید به آن توجه شود این است که سرمایه اجتماعی به عنوان مشارکت اجتماعی و سیاسی به همان اندازه که به وجود آورنده توسعه است، خود نیز جزئی از آن است که بر اهمیت توانایی‌های انسانی و نیازهای پایه تأکید می‌کند. مفهوم سرمایه اجتماعی بعنوان «غایتی در خود» مطرح است که منجر به افزایش فرصت‌ها، ارتقا سلامت، آموزش و استانداردهای زندگی می‌شود (نافعی، ۱۳۸۶، به نقل از کریستوفور، ۲۰۰۶).

۶-۳- اثر سرمایه اجتماعی بر سلامتی

طی سالیان اخیر، سرمایه اجتماعی به یکی از پرکاربردترین مفاهیم در پژوهش‌های مربوط به سلامتی و بیماری تبدیل شده است؛ به شکلی که امروزه سرمایه اجتماعی، مفهومی کلیدی و پراهمیت در زمینه مطالعات مربوط به ارتقای سلامتی و رفاه عمومی محسوب می‌گردد. پاتنام (۱۹۹۵)، ضمن تشریح یک پژوهش اظهار می‌دارد: در امریکا، هر کجا که اجتماعات شهروندان، فعال‌تر و یکپارچه‌تر عمل کرده‌اند، موفقیت آن‌ها در کاهش فقر، بیکاری و بزهکاری، و گسترش آموزش و بهداشت بیشتر بوده است.

هلی‌ول^۱ رابطه عمومی بین سرمایه اجتماعی و وضعیت سلامتی را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه دست یافته است که بالا بودن سطوح سرمایه اجتماعی با وضعیت مناسب‌تر سلامت فردی و عمومی دارای همبستگی و همخوانی بوده است (هلی‌ول، ۲۰۰۳).

رابطه بین سرمایه اجتماعی و پیامدهای سلامتی به شدت مورد توجه محققان بوده است و تحقیقات مختلف رابطه بین سطح اندک سرمایه اجتماعی و بالا بودن میزان مرگ و میر عمومی (کاواچی^۲ و دیگران، ۱۹۹۶) و افزایش احتمال ابتلاء به انواع اختلالات روانی (لافورس و سندکوئست^۳، ۲۰۰۷)، رابطه مثبت بین سطوح بالای سرمایه اجتماعی و کاهش بیماری‌های قلبی و عروقی (علی و دیگران^۴، ۲۰۰۶)، انجام رفتارهای بهداشتی مثبت‌تر (لیندستروم و دیگران^۱،

۱ - Helliwell

۲ - Kawachi, et al

۳ - Lofors & Sundquist

۴ - Ali, et al

۲۰۰۶)، کاهش مرگ و میر ناشی از انواع سرطان‌ها (کاوچی و دیگران، ۱۹۹۶)، کاهش مرگ و میر ناشی از سوانح و تصادفات (همان)، کاهش خطر گرسنگی بر اثر عدم امنیت غذایی (مارتین و دیگران، ۲۰۰۴)، احساس رضایتمندی و رفاه بیشتر (هاوارد، ۲۰۰۱) و . . . را نشان می‌دهد (ریاحی، ۱۳۸۶).

برخی از مطالعات از اعتماد به عنوان شاخص سرمایه اجتماعی استفاده کرده و به رابطه مثبت بین سطوح بالای اعتماد اجتماعی با پائین بودن میزان مرگ و میر عمومی (کاوچی، ۱۹۹۶) و افزایش امید به زندگی (کندی و دیگران، ۱۹۹۸) پرداخته و این روابط را تأیید نموده‌اند.

جمع‌بندی

در عصر حاضر برای توسعه اقتصادی، بیشتر از آنچه به سرمایه اقتصادی، فیزیکی و انسانی نیازمند باشیم به سرمایه اجتماعی نیازمندیم. زیرا بدون این سرمایه استفاده از دیگر سرمایه‌ها به طور بهینه انجام نخواهد شد. اهمیت سرمایه اجتماعی برای توسعه اقتصادی جوامع، موضوعی است که در سال‌های اخیر مطالعات زیادی در این زمینه صورت گرفته است. این مطالعات جنبه‌های جدیدی را منافع سرمایه اجتماعی و آثار آن بر توسعه اقتصادی را آشکار کرده است. این آثار را می‌توان در قالب ۶ اثر خلاصه کرد: (۱) اثر بر رشد اقتصادی (۲) اثر بر اقتصاد سیاسی و عملکرد دولت، (۳) اثر بر توسعه روستایی، (۴) اثر بر سرمایه انسانی و فکری، (۵) اثر بر عملکرد بنگاه‌ها و ساختارهای سازمانی (۶) اثر بر بهداشت و سلامت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

- ۱ - Lindström, et al
- ۲ - Kawachi, et al
- ۳ - Martin, et al
- ۴ - Howard
- ۵ - Kawachi, et al
- ۶ - Kennedy, et al

منابع

- احمدی، محمد و شاپورآبادی، علی (۱۳۸۶)، *بررسی سرمایه اجتماعی در ایران و نقش و جایگاه آن در فرایند توسعه کشور*، همایش سرمایه اجتماعی، برگزار شده توسط موسسه آموزش و پژوهش در مدیریت و برنامه ریزی، تهران
- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۰)، *سرمایه اجتماعی و مدیریت شهری*، نشریه مدیریت شهری، شماره ۷.
- ریاحی، محمد اسماعیل (۱۳۸۶) *توصیف رابطه بین سرمایه اجتماعی با سلامتی و تبیین سازوکارهای تأثیرگذار*، همایش سرمایه اجتماعی، برگزار شده توسط موسسه آموزش و پژوهش در مدیریت و برنامه ریزی، تهران
- سوری، علی (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی* نشریه تحقیقات اقتصادی؛ شماره ۶۹.
- سیدنقوی، ع (۱۳۸۱)، *رویکردی بر حوزه نوظهور سرمایه اجتماعی و رابطه آن با توسعه اقتصادی*، فصلنامه مطالعات مدیریت؛ شماره: ۳۳-۳۴.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴)، *سنجش و تبیین سرمایه اجتماعی در ایران*، پروژه تحقیقاتی به سفارش وزارت کشور
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹) *پایان نظم سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، ترجمه: غلامعباس توسلی؛ تهران ۱۳۷۹، انتشارات جامعه ایرانیان.
- نافع، ایوب (۱۳۸۶)، *ارتباط سرمایه اجتماعی با توسعه انسانی*، مجموعه مقالات همایش سرمایه اجتماعی، برگزار شده توسط موسسه آموزش و پژوهش در مدیریت و برنامه ریزی، تهران
- Beugelsdijk, Sjoerd and Ton van Schaik.,(2003), *Social Capital and Regional Economic Growth*, Paper submitted to ERSA, Jyvaskila (Finland).
- Christoforou, Asimina(2006), *Social Capital, Economic Growth & Human Development: An Emprical Investication Across Europen Countries* ,presented at the 2006 Annual Meeting of the Human Development & Capability Association, Freedm & Justice.29 August-1 September, university of Groningen, Groningen, The Natherlands.
- Cohen, D. and Prusak. L(2001), *In Good Company: How Social Capital Make Organizations Work*. In Vilanova and Josa (2003). Department of Industrial Engineering and Management. Tampere University of Technology.

- Coleman, j. (1988), *social capital in the creation of human capital*, American journal of sociologist, 94, pp. 95-121.
- Din, Musleh-ud, (2003), *Social Capital and Economic Development: A Case Study of the Northern Resource Management Project in Pakistan*, the technical assistance program of the World Bank.
 - Fine, B. (2002) *Those Social Capitalists*, Antipode, pp. 796-799.
 - Grootaert, C. (1999), *Local Institutions and Service Delivery in Indonesia*, Local Level Institutions Working Paper, No. 5, Washington DC: World Bank.
 - Halpem, D. (2005) *Social Capital, Polity*, Cambridge University Press.
 - Helliwell, J.F. (2003). *Well-being and social capital: does suicide pose a puzzle?* Presented at the Conference on Well-Being and Social Capital, Harvard 7-9 November 2003. Available from: http://www.wcfia.harvard.edu/conferences/socialcapital/happinessReadings/helliwell_2003.pdf.
 - Kilkenny, M., Nalbarte, L., Besser, T., 1999. Reciprocated Community Support and Small Town – Small Business Success. *Entrepreneurship & Regional Development*, No. 11.
 - Knack Stephan and Philip Keefer, (1997) *Does Social Capital Have an Economic Payoff? Across country Investigation*, Quarterly Journal of Econometrics No.112 November 1997.
 - Nahapiet, J., and Ghoshal, S. (1998), *Social Capital, Intellectual Capital and the Organizational Advantage*, Academy of Management Review, 23(2).
 - Narayan, D., and Pritchett, L. (1997) *Cents and Sociability: Household Income and Social Capital in Rural Tanzania*. Policy Research Working Paper No. 1796. World Bank: Washington DC.
 - O'Brien, D. J., (2000). *Social Capital and Community Development in Rural Russia*. <http://poverty.worldbank.org>.
 - OECD (2001) *The Well-being of Nations: the role of human and social capital*, OECD(Organisation for Economic Co-operation and Development), Paris.
 - Pantoja, E., (2000), *Exploring the Concept of Social Capital and its Relevance for Community-Based Development: The Case of Coal Mining Areas in Orissa*, India. Working Paper No. 18.

- Putnam R. (1995), *Tuning in, tuning out : the strange disappearance of social capital in America*, Political Science and Politics.
- Timberlake, Sharon (2005), Social Capital and Gender in the Workplace, *journal of Management Development*, vol24 .No 1 , pp.34-44.<www.emeraldinsight.com/0262-171.htm>.
- UNDP, *Human Development Report 2005* (<http://www.undp.org>).
- Westlund, Hans, Anette Forsberg & Chatrine Höckertin, (2002) *Social Capital and Local Development in Swedish Rural Districts*, Paper prepared for the 42nd Congress of.
- World Bank (1999) *social intermediation study field research guide: Exploring the relationship between social capital microfinance* <http://www.worldbank.org>.

